

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری
۲۸ فروری ۲۰۱۸

مصاحبه کانال "بذر های ماندگار" با رفیق فریبرز سنجری در باره خیزش توده ئی اخیر!

توضیح پیام فدائی: کانال تلگرام "بذر های ماندگار" متعلق به چریکهای فدائی خلق ایران، در جریان خیزش بزرگ دی ماه [جدی] ۱۳۹۶، مصاحبه ای با رفیق فریبرز سنجری در رابطه با این خیزش توده ئی انجام داده است. آنچه که در زیر مشاهده می کنید متن این مصاحبه ست که از حالت گفتاری به نوشتاری درآمده و به این وسیله در اختیار خوانندگان قرار می گیرد. فایل صوتی کامل این مصاحبه در لینک زیر برای علاقه مندان قابل دسترسی ست:

<https://www.youtube.com/watch?v=ePpNHanUAmA>

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود به شهنندگان عزیز و با درود به مردم مبارز و آزادیخواه ایران که بار دیگر با مبارزات عظیم خود لرزه بر پیکر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی انداختند.

با توجه به خیزش عظیمی که در چند روز گذشته در اعتراض به شرایط وحشتناک زندگی در زیر دیکتاتوری جمهوری اسلامی توسط مردم مبارز ایران در سراسر کشور صورت گرفت، بر آن شدیم تا با رفیق فریبرز سنجری از چریکهای فدائی خلق در ارتباط با چگونگی و چرایی شکل گیری این جنبش ها، وظایف نیرو های انقلابی در قبال آنها و چشم انداز های مبارزاتی این اعتراضات از طرف کانال تلگرام "بذر های ماندگار" مصاحبه ای داشته باشیم.

پرسش: با درود به شما رفیق سنجری عزیز.

پاسخ: با تشکر از شما که چنین فرصتی را مهیا کردید.

پرسش: مرسی رفیق. رفیق در درجه اول می خواستیم این سوال را مطرح بکنیم که علت اصلی بروز این خیزش ها را در این سطحی که امروز ما شاهدش هستیم شما در چه عواملی می بینید؟

پاسخ: ببینید قبل از هر چیز بگذارید من یاد همه جانباختگان مبارزات اخیر را گرامی بدارم. معترضانی که در شهر های مختلف به دست نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی جان باختند. تا جایی هم که منابع دولتی تا حالا اعلام کردند، حداقل از کشته شدن ۱۲ نفر در شهر های مختلف خبر دادند. که البته این رقم غیر واقعی می باشد و تعداد کشته

شدگان بدون شک از این رقم خیلی بیشتر است. به هر حال ما اگر به شعار هائی که در تظاهرات مردم در روز های اخیر سر داده شده توجه کنیم علت این خیزش را بروشنی پیدا می کنیم و در خواهیم یافت. چون مثلاً در مشهد مردم شعار دادند "مرگ بر گرانی" در تهران فریاد زده شد "نان، کار، آزادی" و در بیشتر شهر ها هم "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" سر داده شد و به وضوح شنیده شد.

بنابراین تعمق در همین شعار ها نشان می دهد که مردمی که از بیکاری، فقر، گرسنگی، اختناق، فقدان آزادی و... جانیشان به لب رسیده به خیابانها ریخته اند تا ضمن آن که علیه شرایط زندگی که برایشان ایجاد شده اعتراض کنند، یک راهی برای خلاصی از این شرایط سختی که نظام سرمایه داری وابسته حاکم برای مردم ستمدیده ما به وجود آورده و جمهوری اسلامی هم در ۳۹ سال گذشته با سرنیزه و شکنجه و اعدام به حفاظت از آن پرداخته، پیدا کنند. واقعیت این است که این فقر و فلاکت و سرکوب و وحشیانه؛ سرکوب و وحشیانه هر صدای مخالفی که شنیده می شود در حالی که مردم شاهد دزدی ها و زندگی افسانه نی آقازاده ها و متمولین هستند و شکاف طبقاتی بیش از هر زمان دیگری در همه جا خودش را نشان می دهد، کارد را به استخوان مردم رسانده است. چرا در این اعتراضات شعار داده می شود که "مرفه های بی درد، مایه ننگ ملت" به خاطر این که تفاوت زندگی سرمایه دار ها و مرفهین با کارگران و زحمتکشان تفاوتش از زمین تا آسمان است. این شکاف عمیق طبقاتی نمی تواند خشم و نفرت کارگر و زحمتکش را فشرده نکند و آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی هر صدای اعتراضی را سرکوب می کند و حتی کارگری را که برای مزد معوقه اش یعنی حقوق پرداخت نشده اش دست به تجمع می زند، می گیرند و به زندان و شلاق محکوم می کنند. به همین دلیل هم هست که تظاهر کنندگان با آتش زدن؛ آتش زدن هر چیزی که رابطه ای دارد با قدرت دولتی به آشکاری نشان می دهند که قدرت دولتی را دشمن خود شان و عامل تداوم این وضع می دانند.

وقتی مردم فریاد می زنند "بریز بیرون حرف بزن، حقو فریاد بزن" خوب روشن است که حق و حقوقشان در همه این سالها پایمال سرکوبگری سردمداران جمهوری اسلامی شده است. دیکتاتوری دهشتناکی که هیچ صدائی را تحمل نمی کند و جز با زبان زور با مردم حرف نمی زند. بنابراین اگر خواهیم علت بروز این وضع را بیشتر توضیح دهیم باید به آن شرایطی که جمهوری اسلامی با دار و شکنجه در ایران برقرار کرده توجه کنیم. یعنی بیکاری، گرسنگی، حاشیه نشینی شهر ها، کارتون خوابی، گورستان خوابی، فحشاء، اعتیاد، دزدی اینها همه نتیجه ادامه سلطه ۳۹ ساله نظام سرمایه داری و حکومت جمهوری اسلامی است. وضعی که ضرورت یک انقلاب اجتماعی برای نجات از این و اوضاع را به مسأله روز تبدیل کرده است.

از سوی دیگر ریشه این خشم و نفرتی که در مبارزات اخیر خودش را نشان می دهد بر می گردد به سرکوب و کشتاری که از حدود چهل سال گذشته جمهوری اسلامی علیه مردم به راه انداخته است. از سرکوب انقلابی که مردم علیه شاه و اربابان امپریالیستش کردند تا به خاک و خون کشیدن مردم در گنبد و کردستان، از قتل عام بهترین فرزندان این سرزمین در دهه ۶۰ تا قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷. ریشه این خشم و نفرت در به زنجیر کشیدن و بردگی کارگران و زحمتکشان، در سرکوب و در بند کشیدن زنان است.

ریشه این خشم در کارتن خوابی و کار کودکان سرزمینمان است، ریشه این خشم در کلیه فروشی مردم شرافتمندی است که به هیچ طریقی نمی توانند مایحتاج زندگی خودشان را جز از طریق فروش اجزای بدنشان تأمین کنند. ریشه این خشم در تحمیل گورخوابی و گرسنگی مردم است، این خشم را نه با اصلاحات و نه با هیچ ترفند دیگری نمی توانند پاسخ بدهند و خاموش کنند، این یک آتشبست که سر بر کشیده تا تمام این نظام را بسوزاند، تا با سوزاندن این نظام و با خاکستر آن دره عمیق فاصله طبقاتی را پر بکنند.

پرسش: مرسی رفیق از توضیحات. چرا مبارزه مردم و اعتراض های مسالمت آمیز آنها به گرانی و فشارهای اقتصادی در ابتداء به این سرعت به قهر کشیده شده؟

پاسخ: این واقعیت بر می گردد به ماهیت دیکتاتوری حاکم که روبنای الزامی نظام اقتصادی مسلط بر ایران است. این دیکتاتوری آنچنان شکننده است که قادر به تحمل هیچ مخالف و معترضی نیست. شما نگاه کنید به اعتراضات و مبارزات کارگرها. کارگرانی که خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود هستند یعنی دستمزد کاری که قبلاً انجام داده اند اما کارفرما حقوقشان را نمی دهد. این رژیم این دیکتاتوری حتی این اعتراض به حق را هم به شلاق می بندند. در نتیجه با توجه به تجربه مردم از سرکوب های وحشیانه نیروی انتظامی و پاسداران جمهوری اسلامی، به طور طبیعی کار به جنگ و گریز می کشد و کارگران و مردم هم اجباراً پاسخ قهر ضد انقلابی رژیم را با قهر انقلابی می دهند. سرعت تبدیل مبارزات مردمی به مبارزات قهر آمیز را شدت دیکتاتوری و اعمال قهر دشمن است که تعیین می کند.

پرسش: رفیق سنجری، همانطور که می دانید دولت روحانی در ابتداء تظاهرات مردم را به مخالفان درونی خودش نسبت داد. حالا هم شنیده می شود که از داعش و قدرتهای خارجی اسم می برند. چرا اینها اینطوری آشکارا دروغ می گویند؟

پاسخ: ببینید این روش همیشگی دیکتاتورهاست. آنها می خواهند چنین جلوه بدهند که مردم با آنها مخالف نیستند بلکه این مثلاً فلان دار و دسته جمهوری اسلامی است که این بلوا را راه انداخته. در سال ۸۸ و در مقابل آن خیزش بزرگ هم طرفداران خامنه ای جنبش مردم را انقلاب مخملی دست ساز امپریالیستها جا می زدند و جلوه می دادند که البته این کاری بود که بیشتر خودشان را رسوا می کرد. همین طور که امروز هم انتساب چنین مبارزات و اعتراضات به اصول گرا ها و یا دارو دسته احمدی نژاد و یا آنطور که مثلاً عباس عبدی طرح می کرد که مراکز مالی که پول مردم را خورده اند، تنها دروغ دیگری به دروغ های دروغگویان حاکم اضافه می کند و آنها را رسوا تر می کند.

امروز دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی تظاهرات مردم را به داعش و قدرت های خارجی نسبت می دهد. این باز همان هدفی را دنبال می کند که نشان بدهد که مردم با ما هستند یعنی با جمهوری اسلامی هستند و این داعش و قدرتهای خارجی که مثلاً منفوراند، اینها هستند که یک عده ای را تحریک کرده اند و این روش هم البته رویه تنها دار و دسته جمهوری اسلامی نیست در زمان شاه هم از این مزخرفات زیاد گفته می شد. من به یاد دارم که در زمان تظاهرات بزرگ مردم تبریز در ۲۹ بهمن [دلو] سال ۱۳۵۶، آموزگار نخست وزیر آن موقع شاه اعلام کرد که معترضان یعنی تظاهرکنندگان یعنی مردم تبریز، از آن سوی مرز آمده اند که خوب می خواست بگوید که یعنی مردم تبریز همه طرفدار شاه هستند. این عده ای هم که تظاهرات کرده اند و اعتراض کرده اند و علیه شاه شعار داده اند از آن ور مرز آمده اند.

امروز هم سردمداران جمهوری اسلامی به همان ترفند شاهانه متوسل شده اند. تا به قول معروف با منتسب کردن اعتراضات مردمی به داعش و قدرتهای خارجی از نفرت مردم از چنین نیرو هائی جهت تحکیم موقعیت خودشان سود ببرند. اما باید به این دروغگو ها گفت و مردم ما هم حتماً در ادامه مبارزات خودشان این را با صراحت خواهند گفت که مردمی که علیه داعشیان حاکم بر ایران به پاخاسته اند، مخالف هرگونه تفکر و برنامه داعشی اند. کسانی که چهل سال داعش را تجربه کرده اند و هزاران شهید در مبارزه با این دار و دسته داده اند نمی توانند بازیچه دست داعش شده باشند.

پرسش: رفیق اهمیت خیزش‌های انقلابی خودبه‌خودی توده‌ها، علی‌رغم نداشتن رهبری متشکل را شما در چی می‌بینید؟ یعنی این که نقش این خیزش‌ها در رفع تدریجی این کمبود در واقع عدم رهبری و تشکل را چطوری توضیح می‌دهید؟

پاسخ: به نکته مهمی اشاره کردید. واقعیت این است که جنبش کنونی جنبش توده‌ئی خود جوش و فاقد رهبری است. ما این فقدان سازمان و بی‌تشکلی را در جریان خیزش سال ۸۸ هم شاهد بودیم. این امر بر می‌گردد به دیکتاتوری ددمنشانه‌ای که سردمداران جمهوری اسلامی در سالهای سلطه خونین خودشان اعمال کرده‌اند و هر گونه مبارزه متشکل را وحشیانه سرکوب کردند و نگذاشتند تشکل‌های مردمی شکل بگیرد. سازمانهای سیاسی را وحشیانه سرکوب کردند. جمهوری اسلامی با توسل به کشتار مبارزان و قتل عام زندانیان و به هر حال سرکوب همه سازمانهای سیاسی اصلاً امکان متشکل شدن مردم را از آنها سلب کرد. و این یک دردی است که دردهای مردم ما را تشدید کرده. اما همین مبارزاتی که امروز جریان پیدا کرده و امروز در سطح کشور جاری است، بستری است که به مبارزان و جوانان امکان می‌دهد که همدیگر را بشناسند و با کسب اعتماد به هم در راه جمع‌آوری همفکران خودشان حرکت کنند تا مردم ما امکان پیدا کنند که بالاخره بر این درد پراکندگی خودشان غلبه کنند. تجربه نشان داده که بدون سازمان و تلاش برای تنیده شدن این سازمان با کارگران و ستمدیدگان نمیشود بر دشمنی در این ابعاد غلبه کرد.

پرسش: رفیق در رابطه با همین سؤال قبلی، اشتباه کسانی که خیزش‌های انقلابی خودبه‌خودی را به دلیل نداشتن رهبری متشکل کارگری کمونیستی اساساً بی‌فایده می‌دانند چی هستش؟

پاسخ: این که خیزش‌های مردمی اخیر فاقد رهبریست که خوب و واقعیتهای انکار ناپذیر است، اما کسانی هم که این خیزش‌های خودبه‌خودی مردمی را به دلیل فقدان تشکل و رهبری محکوم می‌کنند و یا حمایت و پشتیبانی از آنها را نادرست جلوه می‌دهند تنها پاسویزم خودشون را به نمایش می‌گذارند. چنین کسانی آنچنان دچار ذهنیگری هستند که متوجه نیستند که آن سازمان و تشکل و رهبری مورد نظرشان قرار نیست که یک روز آفتابی از آسمان نازل بشود. اتفاقاً در جریان مداخله در همین مبارزاتست که شرایط شکل‌گیری آن به وجود می‌آید. از سوی دیگر وقتی بحث بر سر تظاهرات مردمی آنهم در چنین ابعاد وسیعی هست، باید فهمید که حتی اگر سازمانی هم در صحنه حضور داشت به دلیل دیکتاتوری نمی‌توانست آنچنان وسعت یافته باشد که در همه این مبارزات شرکت کند و همه آنها را رهبری کند. چنین سازمانی در حمایت و شرکت در چنین خیزش‌هایی است که امکان رشد و گسترش بیشتر پیدا خواهد کرد. در هر صورت امروز که مبارزات مردم ما از فقدان چنین سازمانی در رنج است وظیفه میرم، تلاش برای ساختن و شکل‌دان به چنین سازمانی می‌باشد. یعنی باید همه تلاشها در این جهت متمرکز بشود. سازمانی که الزاماً در شرایط دیکتاتوری ایران هم باید مخفی و دور از چشم سربازان گمنام امام زمان فعالیت‌های خودش را پیش ببرد. اتفاقاً وظیفه‌امروزی نیروهای کمونیست و انقلابی در قبال این مبارزات این است که با همه امکانات در آنها شرکت کنند و بکوشند که یاران و رفیقان مبارزات آینده را بشناسند، با آنها آشنا بشوند و روابط مستحکمی با آنها برقرار کنند. و در همین رابطه باید تلاش بکنند که مردم را هر چه بیشتر آگاه کنند و به مردم نزدیک بشوند و یک شرایطی برای پیروزی آینده تدارک ببینند. فکر می‌کنم که یکی از مهمترین وظایفیست که الان مقابل جوانها و نیروهای انقلابی قرار دارد همین است.

پرسش: مرسی رفیق، شاید به عنوان سؤال آخر بد نباشد که در رابطه با جریانهای اصلاح طلب صحبت کنید. اینها چگونه عمل می‌کنند و در واقع چه نقشی در این اعتراضات دارند؟

پاسخ: خوشبختانه هیچ کدام از دسته بندی های جمهوری اسلامی در این اعتراضات نقشی نداشتند و ندارند. وقتی که مردم شعار می دهند که "اصلاح طلب ، اصول گرا ، دیگه تمومه ماجرا" ، این خودش نشان می دهد که مردم به یک جایی رسیده اند که از همه دسته بندی های جمهوری اسلامی گذر کرده اند و نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته را فریاد می زنند و خواهان آن اند.

البته وقتی جنبش توده ئی شکل می گیرد و ادامه پیدا می کند به طور طبیعی همه نیرو های طبقاتی و سیاسی سعی می کنند که در آن شرکت کنند و نیرو و انرژی مردم را در جهت مورد نظر خودشان کانالیزه کنند. در همین راستا هر کجا اصلاح طلب ها وارد صحنه بشوند ، اولین کارشان جلوگیری از فعالیت ها و شعار های ساختار شکنانه و کانالیزه کردن انرژی مردم به سوی حفظ نظام استثماری است. کار آنها اینست که مبارزات مردم را در چهارچوب اختلافات درونی طبقه حاکمه محدود و به هرز ببرند. در حالی که تنها راه رهائی کارگران و ستمدیدگان جامعه ما نابودی نظام سرمایه داری وابسته است که موقوف است و اصلاً وابسته به این امر است که همان نظام اقتصادی که جمهوری اسلامی با دار و شکنجه در ۳۹ سال گذشته به حفاظت از آن بر خاسته از بین بره. بنابراین مردم ما باید ضمن تلاش برای نابودی جمهوری اسلامی که در شعار هایشان آن را آشکارا فریاد می زنند ، امر نابودی سرمایه داران و مرفهین بی درد را هم فریاد بزنند و به آن اضافه بکنند.

پرسش: با تشکر از شما رفیق سنجری برای وقتی که به ما اختصاص دادید. در پایان اگر صحبت دیگری در رابطه با خیزش های اخیر هست بفرمائید.

پاسخ: من از این فرصت باقی مانده می خواهم استفاده کنم و روی این نکته تکیه کنم که اصولاً به علت ماهیت قدرت دولتی در ایران و وابستگی آن به امپریالیستها و پیشبرد خطوط امپریالیستها در منطقه چه از نظر اقتصادی ، پیشبرد رهنمود های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که نتیجه اش را مردم ما به عینه می بینند و چه از نظر فعالیت های تروریستی و جنگی که در منطقه پیش برده ، مردم و کشور ما را در یک موقعیت خیلی بغرنجی قرار داده و به طور طبیعی این موقعیت این مسأله را برای هر خیزش بزرگ مردمی پیش می آورد که باید خودش را برای مقابله با دسیسه های امپریالیستی که در چنین شرایطی به طور طبیعی مطرح می شود و به آن عمل می شود خودش را آماده کند شما اگر به تبلیغات این روز های رسانه های خارجی توجه کنید مثلاً در فرانسه خیلی از رسانه ها بیشتر تلاش می کنند که مبارزات مردم را یک امر اقتصادی صرفاً جلوه بدهند در حالی که این مردم درسته که علیه گرانی شعار می دهند و برای نان و کار فعالیت می کنند اما در همان حال هم به طور طبیعی و تنیده با آن مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتوری را سر می دهند و اساساً هر جا که پوستر های این شیاطین را ببینند ، آن ها را واقعاً پائین می کشند و به آتش می کشند. در نتیجه نمی توانیم مبارزات مردم را صرفاً یک مبارزه اقتصادی جلوه بدهیم، کاری که می خواهند بکنند یا یک بار زیادی بدهند به آلترناتیو هائی که خودشان مایلند آنها را به جای آلترناتیو جا بزنند. مثلاً نیرو های سلطنت طلب را خیلی به آنها بها می دهند و چند تا شعاری که گاه و بیگاه ممکن است در این شهر یا آن شهر از سوی یک سلطنت طلب و یا یک جوان ناآگاه به نفع سلطنت مطرح شده باشد را بزرگ می کنند. از آن روز اگر نگاه کنید بی بی سی و رسانه های دیگر امپریالیستی ، مدام بلندگو در اختیار سلطنت طلب های شناخته شده قرار می دهند و سعی می کنند که آن ها را به عنوان جایگزین این رژیم معرفی کنند. امری که به طور طبیعی با مخالفت مردمی که سالها سلطنت را با جنایت هایش با پوست و گوشت خودشان لمس کرده اند و با آن زندگی کرده اند مواجه میشود و به طور طبیعی اگر خیلی ها در ایران بفهمند که قرار است جمهوری اسلامی برود و سلطنت بیاید جایش در

این مبارزات اخلاص ایجاد می شود. این به یک معنا هم باز کمک دیگر این رسانه ها به جمهوری اسلامیست. در حالی که من نمی خواهم انکار کنم که بالاخره ممکن ست که در اینجا یا آنجا گوش های شنوایی برای شنیدن تبلیغات دروغین سلطنت طلب ها پیدا شده باشد ولی اصولاً سلطنت به عنوان یک آلترناتیو امپریالیستی و جریانی که برای سالهای متمادی وابستگی خودش را به قدرت های امپریالیستی و نوکری اش را برای قدرت های خارجی و جنایاتشان را علیه مردم ایران به روشنی نشان داده ، جایی در میان مردم ستمدیده و کارگران و هیچ بودگانی که امروز واقعاً به پاخاسته اند و همه نمود های جمهوری اسلامی را به آتش می کشند ، ندارد و نمی تواند داشته باشد و اتفاقاً یکی از کار های مهم جوانهای ما در حرکات اخیر اینست که هر گاه با بروز چنین شعار هائی و یا با سر داده شدن چنین شعار هائی مواجه می شوند فوراً به مقابله برخیزند و آگاه گری کنند و افشاءگری کنند و اجازه ندهند که یک چنین عناصری شعار های نادرست و جهت گیری های نادرستی را بر مردم ما تحمیل بکنند. به هر حال این مبارزاتی که شروع شده ، پیش خواهد رفت و آینده نشان می دهد که به کجا خواهد رسید و چه مشکلاتی را برطرف خواهد کرد و چه تجربیاتی را برای جوانهای ما باقی خواهد گذاشت. مثل جنبش ۸۸ ، این تجربیات به آن ها کمک می کند تا خودشان را برای آن انقلابی که باید شکل بگیرد ، انقلاب اجتماعی که نابودی نظام سرمایه داری ایران و همه دارو دسته هائی که این نظام برای حفظ خودش باز تولید می کند ، وابسته به آنند را خودشان را آماده بکنند و من فکر می کنم که چه خیزش ۸۸ و چه خیزش اخیر درست در این جهت ، یک حرکت های مردمی بودند و هستند که منبع تجربه می شوند برای فعالیت های هر چه گسترده تر و عمیق تر آینده. با سپاس از شما که این فرصت را به من دادید.

پرسشگر: با سپاس دو باره از شما و به امید رهائی خلقهای دربندمان. ممنون

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۲۳ ، دی ماه [جدی] ۱۳۹۶